

(اندیشه یا گیشه)

نوشته: کاظم عوید

محقق و منتقد سینمایی لبنان

ترجمه: قاسم غریفی

ارواح خبیث

هنر، تأثیری انکار ناپذیر دارد.
این شرایط کدامند؟ تأثیر آنها بر سینما، بعنوان یک وسیله
بیداری و حیاتی چیست؟
منتقدان بزرگ سینمای جهان پاسخ این سوالها را چنین
می‌دهند:

«با گسترش معلومات، فرصت‌های زیادی برای میلیون‌ها نفر که به کار تجربه فرهنگی و عاطفی و تجربه هنری پرداختند، پیش آمد. اما علیرغم این فرصت‌ها، و اشتیاق استفاده از این امکان، بطور همزمان سرگردانی و اضطراب فکر آن‌ها را پریشان کرده بود، چرا که این هنر، امروز جزئی از فرهنگ توده است، ارواح خبیث را، بر ارواح «خیر» چیره کرده است، بطور مثال هنگامی که به کتابخانه‌ها مراجعه می‌کنیم، در کنار آثار نویسندگان «خیر»، کتاب‌هایی از نویسندگان «شر» را می‌بینیم. اینان آنچنان سیطره یافته‌اند، که به عنوان طبیعتی نمادین به شمار آمده‌اند، و سینما و تلویزیون در این راستا نه تنها انسان را هدف ترکش و حمله قرار داده، بلکه ستایشگران راستین قساوت، خشونت و فلسفه کلی هستند». منتقدان این سوال را مطرح می‌کنند: آیا فرهنگ توده با این وضع برای جامعه پسندیده یا ناپسند است؟ پاسخ این است: فرهنگ مردمی از نظر سوداگران و سرمایه‌داران، نیرویی خطرناک و خبیث است، پس باید تمام توان خود را به کار گرفت تا انسان به موجودی بی هویت، بی روح، و نوکر سرمایه تبدیل شود. اینان قادرند که او را در هر جنگی به قتل برسانند... و قادرند که انسان را چنان به هوی و هوس‌های تملک، آلوده سازند که دلبستگی شخصی خود را میزان تمام روابط و خواسته‌ها و دلبستگی‌های همه بشریت قرار دهد. در این راستا اینان «نقش ویران ساز شعور زیبا شناختی را بازی می‌کنند»، به همان صورت که سرمایه داری متوسط، نقش خطرناک خود را در ویران سازی ذوق هنری و زیبا شناختی به بهترین شکل ایفا می‌کند.

هنر سرمایه داری به حکم طبیعت اجتماعی خود، دشمن سرسخت و بی بدیل «واقعیت راستین» است

رابطه سوداگر، با هنر، رابطه‌ای کالایی است، یعنی بعنوان مضاربه یا انتفاعی به معرض خرید و فروش گذاشته می‌شود. و در سایه «بازار آزاد» انتشار هنر را از نظر «کمیت» و نه «کیفیت» بر مردم تحمیل می‌کند، و در این زمینه دست به آگهی‌های تبلیغاتی با توعی گسترده می‌زند، و اینچنین است که هنر، تبدیل به کالایی بازاری می‌گردد، امری که باعث می‌شود قانون بازار، همه عوامل و عناصر تشکیل دهنده سینما را زیر سلطه خود ببرد، از فیلمنامه گرفته، تا انتخاب لوکیشن، حتی بر نیروی خلاقه کارگردان و بازیگر تأثیر گذاشته، اصول زیبا شناختی را بدور افکنده، و او را به سوی فیلم‌های بی ارزش و مبتذل در جهت حفظ منافع «گیشه» می‌کشاند. با چنین نگرشی، طبیعی است که، محور این منافع، فیلم‌های «سکسی یا گانگستری» مثل «جیمز باند» خواهد بود.

سینما، یک شیوه بیان هنری و یکی از وسائل ارتباط مردمی و آگاهی بخش است. این وسیله جایگاه ویژه‌ای بین میلیون‌ها نفر دارد. سینما وسیله‌ای است که با نمایشهای خود چه بصورت عامل تسکین و شادمانی، و چه به عنوان بازتاب واقعیت زندگی و حرکت اجتماعی و تکاملی، دست اندرکاران خود را به عنوان یک قطب مطرح کرده است. همین عوامل کافی است تا سینما جایگاه ویژه خود را در فرهنگ مردم پیدا کند، بویژه در دو دهه اخیر، که رقابت روشنگری در جوامع سیاسی و اجتماعی شدت گرفته است و هر یک از آنها برای یافتن طریقه و اسلوب تازه در راستای ایجاد ارتباط با این خیل عظیم جهانی تلاشی گسترده دارند. همین باعث شده، سینما تیفی دو لبه شود، یک لبه آن شامل عاشقان این هنر، که هدف آنها مبارزه مترقی برای سعادت بشر، و تحقق آرزوها و آرمانهای بشری در یک زندگی پر طراوت و کرامت است، و لبه دیگر را، سوداگران تشکیل می‌دهند، که مخالف حرکت جامعه در جهت حل گرفتاری‌ها و معضلات خویش است، و با تزریق یأس و ناامیدی برآند که فراروی انسان در رسیدن به آرمانهای خویش سد ایجاد کنند. اینها همان یاوران زورمدارانند که برای دروغ جلوه دادن این «نیروزی»، فعالیت همه سویه دارند. مهمترین حربه این سوداگران تملق و چاپلوسی و اشاعه فلسفه کلی (فلسفه انکار توانمندی‌های انسان و عزلت گردیدن از انسانها)، بین مردم، یا غرقه ساختن تماشاگر و ایجاد نوعی باور «جدا افتادگی» که به تباهی اعتقاد راستین او به زندگی و انگیزه‌هایش منتهی میگردد. و در عوض اعتقاد به شکست، حقارت، فردگرایی، و خشونت را در او جایگزین ساخته، تقویت می‌کند. غافل از این حقیقت تلخ که، این انسان بخوبی میداند که قربانی نیروهای تجاوزگر و نظام‌هایی که تولید سینمایی در کشورهای سرمایه داری یکی از آنهاست، گشته است. ما کارگردانی را می‌شناسیم که رنج و مشقت انسان در جهان سرمایه داری آمریکا و اروپا، را به تصویر کشیده و در آثار بسیاری این حقیقت را به نمایش گذاشته‌اند. با این حال، بعضی از همین کارگردانان را می‌بینیم که فیلم‌های دیگری ساختند، و تبدیل به جیره خواران و مداحان همان کسانی شدند که در گذشته رسوایشان کرده بودند. عده‌ای دیگر تحت عنوان «موج نو» یا نوگرایی در اسلوب‌های بیان هنری و یا تحت عنوان جذب دوستداران سینما به حفظ منافع «گیشه» پرداختند.

این وضعیت‌های پیچیده را، نظام‌های اجتماعی و اقتصادی تغذیه می‌کنند، بدون شک این وضعیت، بر سینما، بعنوان یک وسیله آگاهی، و شیوه‌ای از شیوه‌های حیاتی بسیار قوی در آفرینش

و بی بدیل واقعیت راستین است، و این را در عمل نشان داده است که، قادر است واقعیت راستین را به نوعی به واقعیت مبتذل و ارزان تبدیل کند، از سویی دیگر فیلم‌های به اصطلاح «مد روزه» بوده‌اند که کاملاً در خدمت بورژوازی نبوده‌اند. البته این به مفهوم آن نیست که تصاویر «شورش بر علیه مالکیت خصوصی» و نظام استکباری را انکار کرده، و خود راه رنگ عاطفی و افکار مجرد، که در بعضی از فیلم‌های «مد روزه» مانند «جنگ سلاح بر زمین گذاشت» ساخته «ریزینیه» فرانسوی دلخوش کرد.

نگرش تجاوزکارانه:

سینمای هالیوود که مدعی جدایی هنر از اهداف تبلیغاتی سیاسی است، و به انسان «آزاده» در جهانی آزاد معتقد است، در بسیاری از فیلم‌هایش مفرضانه به وضع اقتصادی ساکنان سرزمین‌های کویری بعضی از کشورها پرداخته، و در این راستا بوق‌های تبلیغاتی سرمایه‌داری تحت عنوان «تمسخر آمیز» و «معجزه آلمانی»، «رفاه آمریکایی»، «ستایش‌گر» و «مشوق هالیوود است»، و «بدین وسیله توطئه‌های خود را بر علیه هنر، گسترش می‌دهد.

رابطه سوداگر، باهنر، رابطه‌ای کالایی است، یعنی بعنوان مبارزه یا انتقادی به معرض خرید و فروش گذاشته می‌شود. و در سایه «بازار آزاد» انتشار هنر را از نظر «کمیت» و نه «کیفیت» بر مردم تحمیل می‌کند،

این توطئه‌ها مقاصد تجاوز کارانه خود را بر هنر روا داشته، و هنرمند را مجبور می‌کند، به جای اینکه به تحلیل تناقضات درونی سرمایه‌داری که بوسیله تبلیغات وسیع بر آنها سرپوش گذاشته شده، و با موضوع‌ها و نام‌های انتخابی به منظور تأیید ارزش و حقانیت برتری ماشین بر انسان، با وجود طبیعت غیر انسانی آن، شیوه‌ها و راه‌هایی برگزیند که نتیجه‌ای واحد منتهی شود. هالیوود، شرارت‌های این عصر، و بطور کلی شرارت‌های زندگی را آنگونه که باب طبع سرمایه‌داری است چنین تعبیر می‌کند: «شرارت‌های عمومی، نتیجه روح شر در فطرت انسان است»، با این ترفند، هنرمندان بسیاری در دام این تعبیرات دروغین و مزورانه از حقیقت می‌افتند، و این موضوع به مسئله عدم آگاهی این عده هنرمندان از «درک علمی عملیات تکامل اجتماعی» باز می‌گردد. و هنگامیکه انسان را به تصویر می‌کشند، (و نظام سرمایه‌داری را به اصطلاح مورد انتقاد قرار می‌دهند)، تحت این عنوان که واقعیت اجتماعی دارای چنین تنگنای وجودی نمی‌باشد. و به این ترتیب ناآگاهانه فسطری بودن را مطرح کرده و به ترویج یأس و ناامیدی و پرخاشگری و تجاوز می‌پردازند، و ارضاء غرائز جنسی را به عنوان نمونه‌ای از شعور انسان در رابطه با تهدید موجودیت او در دوزخ عصر ماشین، مطرح می‌کنند. این گونه کارگردانان گرفتار پیچ و خم‌های روابط جنسی (با مذکر، یا مؤنث) به عنوان تعبیری از انکار و تیرد، می‌شوند. در این زمینه کارگردانان بزرگی بودند که با این مسئله برخورد عقلایی داشته، و آثاری در خور توجه آفریدند،

فرهنگ گیشه، فرهنگی اصراری و تهاجمی است. گیشه شکل‌های خود را، با یک سلسله مواضع در اذهان مردم مهر می‌کند. با آن قالب‌ها روش‌های عقلایی و رفتاری می‌آفریند، تهیه‌کنندگان و همه دست‌اندرکاران سینمای خود را چنان بار می‌آورد که، جایگاه‌ها و متن‌هایی موافق اهداف و کسب تهیه کنند، آنها خوب می‌دانند که، فیلم‌های سکسی و گانگستری و جنایی و ماجراجویانه، باب طبع جوان پر شور و پر از انرژی حرکت است. تا فیلم‌هایی با مضمون فلسفی. همه اینها برگرفته از سوء استفاده سوداگران از حربۀ «آزادی انتخاب» است.

زمانی که ترویج فرهنگ تجاری به مراتب آسان‌تر از ترویج فرهنگ ریشه‌ای و راستین باشد، فیلمنامه نویسان و کارگردانان بزرگی را می‌بینیم که برای تهیه امکانات و هزینه لازم جهت ساختن فیلم دلخواه خود، مجبورند فیلم‌هایی را برای سینمای تجاری تهیه کنند، از جمله این کارگردانان بزرگ، می‌توان «ویتوریو دسیکا» را نام برد. او با تمام نفرتی که از گیشه و فیلم‌های گیشه‌ای دارد، فیلم بر فراز کانال را می‌سازد، تا بتواند امکانات تهیه شاهکاری چون «دزد دوچرخه» را فراهم سازد.

معضلاتی که سینمای امروز جهان مطرح می‌کند، جدا از معضلات جامعه به عنوان یک کل، نیست. چرا که سینمای «گیشه» با قدرت گسترده‌ای در جهت فساد قوه خلاقیت کارگردان، و فساد نگرش‌های زیباشناسانه مردم، برخاسته است.

فرهنگ مردمی از نظر سوداگران و سرمایه‌داران، نیرویی خطرناک و خبیث است، پس باید تمام توان خود را به کار گرفت تا انسان به موجودی بی هویت، بی روح، و نوکر سرمایه تبدیل شود

توطئه علیه هنر:

بسیاری از منتقدان بزرگ جهان، این ادعا را که سینمای امروز جهان دوران «رکوده» خود را می‌گذراند، و اینکه هر کارگردانی به سویی رفته و به اصطلاح ساز خودش را می‌زند، و سینما را در بحران ابتدال کشانده‌اند، مردود می‌شمارند، چرا که این تنش‌های موجود در سینمای امروز، رابطه‌ای مستقیم با فرهنگ و هنر در کل داشته، و بازتاب کامل تنش‌های اقتصادی و سیاسی در همه جهان است. وضع سینمای امروز ناامید کننده نیست. برعکس، چرا که در فرهنگ قومی هر ملت، عناصر فرهنگی آزاده‌ای وجود دارند که، مردم صمیمی و ستم‌دیده را با تمام خواسته‌ها و وضع زندگی آنها را از همه جوانب می‌بینند، و به دفاع از آنها برمی‌خیزد، بنابراین سینما به دو بخش واقعیت و «مد روزه» تقسیم می‌شود، و اینکه طبق مرسوم پیگیری عمل سینمایی با التزام به مادی واقعیت، همیشه نمی‌تواند معیار پیشرو بودن باشد. چرا که در این حالت تصویر حقیقت وارونه گشته، و در خدمت افکار ارتجاعی قرار می‌گیرد، بویژه در هنر سرمایه‌داری که به حکم طبیعت اجتماعی خود، دشمن سرسخت

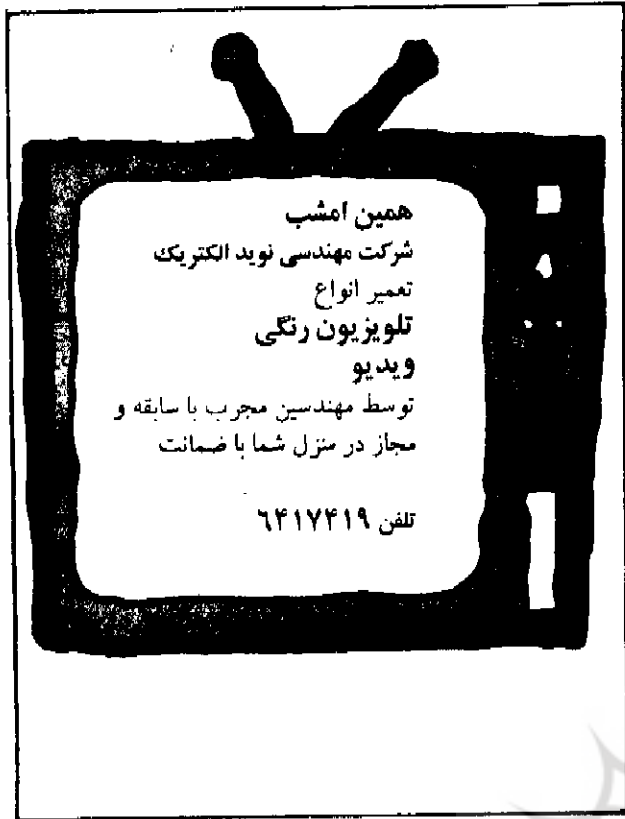
کسانی مثل «روسلینی»، «فلینی» و ... که آثارشان بیانگر قطع امید از روند پیشین و نیاز به طی کردن راه پر پیچ و خم پیشرفت و جامعه‌ای متحول است، نیازی کاملاً آگاهانه و پایدار براساس نقد و تحلیل علمی. اگر جز این باشد متومل به خود فریبی گشته، و در نهایت تبدیل به ابزار تبلیغاتی سرمایه‌داری خواهند شد، پس می‌بایست که در این عملیات مبارزه گسترده و همه جانبه دفاع از آفرینش‌های انسان و آرمان‌های او، مشارکت کنند: «تجاوز و سلطه که همه چیز را انکار می‌کند برای جامعه جز فساد و تباهی ارمغانی نخواهد داشت».

«برای هر هنرمند اندیشمندی کاملاً واضح و آشکار است که نمی‌توان در یک جامعه هم زندگی کرد، هم از آن جدا بود، پس منطق آزادی هنرمند به معنی «هرج و مرج» نیست

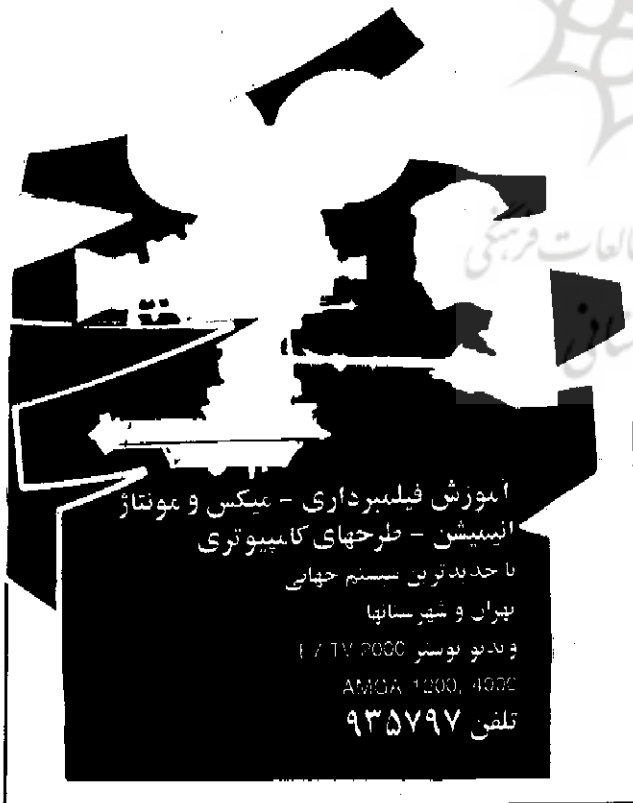
واکنش پیشروان:

اما در مقابل، سینماگران پیشرو با کوششی فزاینده به قضایای سیاسی و اجتماعی می‌پردازند، از فیلم‌های مستند گرفته تا فیلم‌های داستانی، کارگردانان بزرگی مانند «فرانچسکو روزی»، «مونتالدو»، «دایمانی» و «پازولینی» از ایتالیا را می‌توان نام برد. این کارگردانان تراژدی‌ها و جرم‌هایی را که به تصویر می‌کشند کاملاً زمینی هستند، دارای ویژگی‌های تاریخی هستند، مردم در برابر این تراژدی‌ها و جرم‌ها مشغول هستند، و آلت جرمی که در دست مردم است، متصدیان پشت پرده دارد، برای این کارگردانان واژه‌های «انسانیت»، «دموکراسی» و «تحول اجتماعی» صرفاً شعارهای عوام فریبانه انتخاباتی نیست، بلکه دعوتی جدی است برای عمل. دو فیلم «اعترافات نقش پلیس در برابر وکیل عام جمهوری» کار «دایمانی» و «ساکو و فانزیتی» کار «مونتالدو» از نمونه‌های بارز و راستین هستند. کارگردانان پیشرو با چنین کارهایی با کارگردانانی که نه تنها انسان را موجودی خوار و ذلیل در مبارزه با مشکلات روزمره خویش می‌دانند، بلکه آن‌ها را جاودانه و جهانی می‌دانند، به مقابله برمی‌خیزند. این سوداگران، هنگامی که می‌بینند دیگر از سودهای کلان سینما محروم شده‌اند، «آزادی هنر» و «آزادی عمل و آزادی انتخاب انسان را انکار می‌کنند، و به تبلیغ آنچه که سرمایه‌داری برایشان تعیین کرده، یعنی عجز و ناتوانی و سکوت هنرمند و سازش او می‌پردازند، در حالی که مردم دارای تفکر کاملاً متفاوت هستند: «آنگاه که هنرمند ناتوان از حل مشکل یا نتیجه‌گیری است ما چه کار باید بکنیم؟!»

«برای هر هنرمند اندیشمندی کاملاً واضح و آشکار است که نمی‌توان در یک جامعه هم زندگی کرد، هم از آن جدا بود، پس منطق آزادی هنرمند به معنی «هرج و مرج» نیست، بلکه دارای تحلیل دیگری است، تحلیلی استوار بر توانمندی‌های جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کند، کیفیت موضوع خدمت، و مضمون کارآیی عمل و جهت آن است».



همین امشب
شرکت مهندسی نوید الکترونیک
تعمیر انواع
تلویزیون رنگی
ویدیو
توسط مهندسین مجرب با سابقه و
مجاز در منزل شما با ضمانت
تلفن ۶۴۱۷۴۱۹



آموزش فیلمبرداری - میکس و مونتاز
انیمیشن - طرح‌های کامپیوتری
با جدیدترین سیستم جهانی
پیران و شیراسانیا
ویدیو پوستر ۲۰۰۰ / TV
AMCA 1200, 4000
تلفن ۹۳۵۷۹۷

مسابقه بزرگ عکس

سینمای دفاع مقدس

از تمامی عکاسانی که تصاویر سینمایی
دفاع مقدس را به ثبت رسانده‌اند
دعوت به عمل می‌آید تا ضمن ارایه
آثار خود در مسابقه‌ای که به
همین منظور تدارک دیده
شده شرکت نمایند.

۱- هر عکاس از میان تمامی آثار خود حداقل ۳
و حداکثر ۶ قطعه عکس به ترتیب اولویت به
دبیرخانه ستاد تحویل نماید.

۲- ارایه عکسها در قطع ۳۰×۴۰ می‌باشد. آثار
ارایه شده عودت داده نخواهد شد.

۳- آخرین مهلت تحویل عکسها تا پایان وقت
اداری مورخ ۷۴/۱۱/۳ می‌باشد.

۴- زمان برگزاری نمایشگاه

زمان اول: ۷۴/۱۱/۷ لغایت ۷۴/۱۱/۱۲

زمان دوم: ۷۴/۱۱/۱۵ لغایت ۷۴/۱۱/۱۶

۵- مکان برگزاری نمایشگاه

خانه سینما

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

معاونت سینمایی و سمعی و بصری

۶- اعلام نتایج برگزیدگان در تاریخ ۷۴/۱۱/۱۶
در محل برگزاری همایش انجام خواهد شد.

آدرس ستاد برگزاری: خیابان بهارجنوبی

کوچه سمnan - پلاک ۲۹ تلفن: ۷۶۹۲۸۱

فراخوان مقاله

از تمامی هنرمندان دعوت به عمل می‌آید
تا ضمن ارایه آثار خود در ارتباط با
موضوعات زیر در این همایش
شرکت نمایند.

شرایط شرکت:

۱- آخرین مهلت تحویل مقاله‌ها تا پایان وقت
اداری مورخ ۷۴/۱۱/۱۰ می‌باشد.

۲- هر نفر حداکثر تا دو مقاله از سرفصل‌های
قیدشده را می‌تواند ارایه دهد.

۳- مقاله‌ها به محل دبیرخانه ستاد تحویل داده شود.

۴- مقاله‌های ارایه شده عودت داده نخواهد شد.

سرفصل مقاله‌ها:

۱- فیلمنامه و دفاع مقدس

۲- کارگردانی و دفاع مقدس

۳- تهیه و توزیع فیلم و دفاع مقدس

۴- مدیریت تولید و دفاع مقدس

۵- طراحی صحنه و دفاع مقدس

۶- جلوه‌های ویژه و دفاع مقدس

۷- مستندسازی و دفاع مقدس

۸- مخاطبین و دفاع مقدس

آدرس ستاد برگزاری: خیابان بهار جنوبی

کوچه سمnan - پلاک ۲۹ تلفن: ۷۶۹۲۸۱

۷۶۰۱۹۰

به مناسبت صدمین سال تولد سینما

سینما تئاتر

منتشر می کند



۱۰۰ سال
ایران
سینما
تئاتر

از آغاز تا کنون

مرکز آموزش‌های هنری سمندریان
در رشته‌های:

جهت ترم
زمستانی هنرجو
می‌پذیرد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

○ آدرس: خیابان شریعتی - نرسیده به چهارراه قصر اندیشه ۱ شرقی - پلاک ۸ - طبقه همکف
تلفن: ۸۴۸۲۲۸